



غیردولتی را برای سرمایه‌گذاری دعوت می‌کنید، بحث قیمت برق مطرح می‌شود، اینکه قیمت‌ها دستوری است. پس پای یارانه‌ها به میان می‌آید...» و از این دست مسائل میان من و آقای احمدی‌نژاد رد و بدل شد. خاطر همست به ایشان گفتم: «ایده شما در مورد هدفمندی کاملاً درست است. اراده جنابعالی هم قابل تحسین است. اما این کار به یک برنامه به مثابه یک نقشه راه نیاز دارد.»

آقای احمدی‌نژاد در همان جلسه، به من تکلیف کرد تا طرحی برای هدفمندی بنویسم و به من دستور داد تا نوشتن طرح را درباره یارانه‌ها از همین فردا آغاز کنم. البته رئیس‌جمهور در همان جلسه به من پیشنهاد داد که دبیر طرح تحول اقتصادی هم بشوم. احمدی‌نژاد معتقد بود مهم‌ترین کار دولت مسأله یارانه‌ها است.

فکر می‌کنم بعد از آن جلسه، یک هفته هم طول نکشید که با حکم رئیس‌جمهور وقت، دبیر طرح تحول اقتصادی دولت شدم و در جایگاه مشاور رئیس‌دولت قرار گرفتم. در ساختمان قرمز رنگ ریاست جمهوری مکان و امکانات مناسبی در اختیارم گذاشته شد و پس از آن بود که ارتباط نزدیک‌تری با رئیس‌جمهور پیدا کردم، به طوری که تقریباً مسائل را به صورت روزانه با ایشان هماهنگ می‌کردم. از همان زمان با کمک برخی از دوستانم مانند دکتر فرزین جلسات مشترکی را با معاونین وزرا و دستگاه‌های اقتصادی برگزار می‌کردیم که در نهایت چهارچوب کلی طرح تحول اقتصادی را بر اساس مطالعاتی که هم در دولت نهم و هم در دولت‌های قبلی وجود داشت، جمع‌آوری و تدوین کردیم. بعد از تدوین این طرح، کارگروه تحول اقتصادی شکل گرفت. این کارگروه با انتصاب دبیر، شکل جدی‌تری به خود گرفت.

اعضای کارگروه چه کسانی بودند؟

آن زمان اغلب اعضا دارای شخصیت حقوقی بودند. به عنوان مثال وزیر اقتصاد، رئیس‌کل بانک مرکزی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، وزیر بازرگانی، وزیر کشاورزی، وزیر کار و... عضو بودند. در کنار این وزرا برخی از وزرای غیراقتصادی مانند وزیر کشور هم حضور داشتند. ابتدای حضور من در کارگروه، آقای دانش‌جعفری وزیر اقتصاد بود که بعد از مدتی آقای صمصامی به عنوان سرپرست وزارتخانه منصوب و در جلسات کارگروه شرکت می‌کرد. ضمن اینکه طبق مصوبه هیأت وزیران ۳ اقتصاددان حقیقی نیز باید عضو این کارگروه می‌شدند. آقای احمدی‌نژاد با مشورت‌هایی که با بنده انجام داد آقایان فرهاد رهبر، مهدی رضوی و ناصر شرافت‌جهرمی را برای عضویت در این کارگروه انتخاب کرد. دکتر رضوی در اقتصاد اسلامی مطالعات زیادی انجام داده بود. دکتر شرافت‌جهرمی هم تقریباً در همه دولت‌های پس از انقلاب حضور داشت. دکتر رهبر را هم که من خود مشخصاً از قبل می‌شناختم. به این ترتیب، جمع خوب و متخصصی در کارگروه شکل گرفت.

فعلاً تا آن موقع پیشنهاد وزارت اقتصاد به شما از سوی

تشکیل کارگروه طرح تحول اقتصادی

آقای احمدی‌نژاد با مشورت‌هایی که با بنده انجام داد آقایان فرهاد رهبر، مهدی رضوی و ناصر شرافت‌جهرمی را برای عضویت در این کارگروه انتخاب کرد.

دکتر رضوی در اقتصاد اسلامی مطالعات زیادی انجام داده بود. دکتر شرافت‌جهرمی هم تقریباً در همه دولت‌های پس از انقلاب حضور داشت. دکتر رهبر را هم که من خود مشخصاً از قبل می‌شناختم. به این ترتیب، جمع خوب و متخصصی در کارگروه شکل گرفت.

احمدی‌نژاد ارائه نشده بود؟ نه خیر.

پیشنهاد وزارت اقتصاد از چه زمانی به صورت جدی مطرح شد؟ هنوز چند ماهی از حضورم در کارگروه تحولات اقتصادی دولت و این مسائل نگذشته بود که من از گوشه و کنار می‌شنیدم آقای احمدی‌نژاد برای وزارت اقتصاد روی حسینی نظر مثبت دارد. ولی شنیده‌ها فقط در همین حد بود. خاطر همست در همان روزها، دکتر احمدی‌نژاد به من گفت: «دولت برای طرح تحول اقتصادی یک سخنگو می‌خواهد.» به ایشان گفتم می‌توانم وظیفه سخنگویی را تقبل کنم، اما قبول نکرد و به من تکلیف کرد که فرد دیگری را انتخاب کنم. نهایتاً به من توصیه کرد که «خودت سخنگو را انتخاب کن ولی حواست باشد فردی که برای سخنگویی انتخاب می‌کنی باید شخص قابل و مورد اعتمادی باشد، چرا که مسئولیت مهمی برعهده خواهد داشت.»

من در حوزه اقتصاد و در بین اقتصاددانان، دوستان زیادی داشتم. یکی از کسانی که در این حوزه دلسوزانه با من کار کرده بود و هنوز هیچ مسئولیت مستقیمی در این حوزه هم نداشت، آقای دکتر فرزین بود. بر همین اساس تصمیم گرفتم آقای فرزین را برای سخنگویی انتخاب کنم. به آقای احمدی‌نژاد گفتم: «یکی از دوستانم اقتصاددانی نسبتاً جوان و پرانرژی است که او را برای سخنگویی در نظر دارم.» وی قبول کرد و گفت: «اگر مورد تأیید شماست من هم تأیید می‌کنم. حکمش را برنیزد تا رسماً شروع به کار کند.» من اصرار کردم که شما هم باید دکتر فرزین را از نزدیک ببینید. یک روز به همراه دکتر فرزین بعد از نماز ظهر و عصر، رفتیم خدمت آقای رئیس‌جمهور. پس از معرفی فرزین به رئیس‌جمهور، گفت‌وگویی بین آنها صورت گرفت. وقتی به همراه دکتر فرزین می‌خواستیم از اتاق رئیس‌جمهور خارج شویم، ایشان به بنده گفت: «حسینی تو در اتاق بمان، کارت دارم.» آنجا بود که آقای احمدی‌نژاد مسأله وزارت را با من در میان گذاشت. من در همان موقع به رئیس‌جمهور گفتم: «همین طرح تحول اقتصادی را که به بنده سپرده‌اید به اندازه چند وزارتخانه کار دارم.» اما در پاسخ به من تأکید کرد: «اتفاقاً می‌خواهم وزیر اقتصاد، دبیر طرح تحول هم باشم.»

همان‌جا از دکتر احمدی‌نژاد در مورد صمصامی سؤال کردم که تکلیف سرپرست کنونی وزارتخانه چه می‌شود؟ احمدی‌نژاد من را مطمئن کرد که در هر صورت او را معرفی نمی‌کند و گفت: «نگران این مسأله نباش. من به دلایلی قصد معرفی صمصامی را ندارم.»

نهایتاً من از وی اجازه خواستم تا بتوانم درباره پذیرفتن مسئولیت وزارت، استخاره کنم که دکتر احمدی‌نژاد گفت: «به نظر من چنین موضوعی نیاز به استخاره ندارد، ولی اگر می‌خواهید فکر کنید، فرصت دارید.»

بعد از آن جلسه، با چند نفر از دوستانم در این مورد مشورت کردم. تقریباً هیچ‌کسی نبود که در این خصوص نظر غیرموافق داشته باشد. حتی وقتی با کسانی که در دولت نهم در سطوح پایین‌تر از وزیر فعالیت داشتند و در دولت یازدهم تبدیل به افراد برجسته‌ای شدند مشورت کردم، با اینکه عقاید متفاوتی با آقای احمدی‌نژاد داشتند، نظرشان آن زمان این بود که هر آدمی همان‌طور که برای پذیرفتن مسئولیت باید معیار داشته باشد برای نپذیرفتن آن هم باید دلیل قانع‌کننده‌ای داشته باشد. نهایتاً من به این جمع بندی رسیدم

که این یک مسئولیت بزرگی است که می‌تواند منشأ خدمات زیادی باشد. این را هم بگویم که من برای پذیرفتن معاونت وزارت رفاه استخاره گرفته بودم که آیاتی از سوره یوسف آمده بود (استخاره خوب آمده بود) اما برای وزارت اقتصاد استخاره نکردم و بدون گرفتن استخاره این پیشنهاد را پذیرفتم. بعد از چند روز، رفتیم خدمت آقای احمدی‌نژاد و به ایشان گفتم، در خدمت شما هستم. بعد از گفتن این جمله بود که احساس کردم او دیگر خیالش از بابت من راحت شده و دیگر سؤال و جوابی بین ما رد و بدل نشد.

احمدی‌نژاد از شما برنامه‌ای نخواست؟

چرا آقای احمدی‌نژاد به من گفت: «یک طرح یا چیزی شبیه برنامه آماده کن» ولی من دست به قلم نبردم و چیزی ننوشتم.

چرا؟

با توجه به تجربیاتی که از دولت‌های قبل داشتم، می‌دانستم وقتی کسی می‌خواهد برای وزارت معرفی شود، اسم‌های زیادی مطرح می‌شود، حتی از چند نفر به طور همزمان برنامه گرفته می‌شود. برای همین، هنوز مطمئن نبودم که گزینه اصلی برای وزارت، من باشم. از طرفی چون دبیر طرح تحول اقتصادی بودم به تمام اطلاعات اقتصادی دسترسی داشتم و خودم برنامه طرح تحول را تهیه کرده بودم، لذا نوشتن برنامه را برای خودم کار سختی نمی‌دیدم. در همان ایام، مدت سرپرستی آقای صمصامی نیز تمام شد و آقای احمدی‌نژاد طبق قانون با ارسال نامه‌ای از مقام معظم رهبری درخواست کرد که مدت سرپرستی صمصامی چند روز دیگر تمدید نشود. موافقت حضرت آقا با این درخواست و فرصت پیش آمده باعث شد من در این چند روز به مسأله انتخاب خودم به صورت جدی‌تری فکر کنم.

به نظر تان احمدی‌نژاد در انتخاب شما با کسی هم مشورت کرد؟

فکر می‌کنم نیازی به مشورت نبود. با آن همه جلسه‌ای که با یکدیگر داشتم هیچ کس در دولت به اندازه او از من شناخت نداشت. البته شاید کسانی هم بودند که نزد رئیس‌جمهور از من تعریف کرده باشند که مثلاً فلانی گزینه خوبی است.

نظر دکتر داوودی در مورد شما چه بود؟

بعید می‌دانم آقای داوودی با انتخاب بنده مخالف بوده، البته من به صورت ضد و نقیض و پراکنده شنیده بودم که او علاقه‌مند بود صمصامی به عنوان وزیر معرفی شود. بعدها هم یک نفر به من گفت که مطرح بود خود آقای داوودی به عنوان وزیر اقتصاد معرفی شود یا از همان ابتدا به صمصامی گفته شده بود که قرار است به عنوان معاون کل وزیر با وزارت اقتصاد همکاری کند نه وزیر. در هر صورت آن زمان عده‌ای می‌گفتند که «داوودی با معرفی تو موافق نیست.» ولی من نمی‌دانم این مسأله تا چه حد صحت داشته باشد. من چیزی از او که نشان دهد مخالف بنده بوده ندیدم.

در جلساتی که بعد از وزیر

شدن تان با یکدیگر داشتید نسبت به شما موضعی نداشتند؟ این سؤال را به این دلیل می‌پرسم که آقای صمصامی پشتت مورد حمایت معاون اول بود و این شما بودید که به جای شخص مورد وثوق معاون اول، خودتان را به یک‌باره در دل رئیس‌جمهور جا کردید و وزیر اقتصاد شدید؟

انصافاً نه، ببینید در دولت، رئیس‌جمهور است که رئیس دولت است. یادتان باشد در دولت همه‌کاره رئیس دولت است. از لحاظ اقتصادی در دولت با آقای داوودی به مشکلی برخورد نکردید؟ مطمئناً از لحاظ مباحث و نوع نگاه به اقتصاد، با آقای داوودی هم فکر نبودید. از طرفی، بالأخره معاون اول، خودش اقتصاددان بوده و برای خودش نگاهی متفاوت در حوزه اقتصاد با شما داشت. نگاه اقتصادی داوودی به صمصامی نزدیک‌تر بود. نمی‌دانم تا چه حد توانستم منظوم را به شما برسانم.

اصولاً مباحث کلیدی و اصلی در حضور رئیس‌جمهور مطرح می‌شد و همه، حرف‌هایشان را می‌زدند. هم من و هم آقای داوودی نظراتمان را در جلسات مطرح می‌کردیم، اختلافی هم وجود نداشت. من وزیر اقتصاد بودم و وی معاون رئیس‌جمهور؛ طبیعتاً حوزه کاری هر دو جدا بود.

در حوزه هدفمندی یارانه‌ها چه؟ نظر معاون اول چه بود؟

اتفاقاً آقای داوودی در بحث هدفمندی همیشه همراه بود و از جمله کسانی بود که به این موضوع با وسواس زیادی نگاه می‌کرد. مثلاً یادم هست که وی درباره هدفمندی معتقد بود: «موضوعاتی مانند هدفمندی یارانه‌ها که جنبه اجتماعی دارد باید توسط آدمی مثل دکتر احمدی‌نژاد که دغدغه اجتماع و مردم را دارد اجرا شود.»

آقای داوودی مدافع هدفمندی بود؟

بله، او مدافع اجرای هدفمندی بود.

صمصامی چطور؟

ببینید موضوع هدفمندی یارانه‌ها مسأله‌ای نبود که همه از روز اول آن را قبول یارند کنند. به هرحال لایحه هدفمندی یارانه‌ها در کارگروه طرح تحول اقتصادی که آقای دکتر داوودی هم در آنجا حضور داشت تصویب شده بود، بعد از آن هم در دولت به تصویب رسیده بود.

صمصامی از جمله افرادی بود که در ابتدا با این طرح مخالف بود، ولی در خلال بحث‌ها، وقتی جلوتر رفتیم بخصوص زمانی که وی سرپرست وزارت اقتصاد شد، بنده مخالفت مشهودی در این زمینه از وی ندیدم. لذا تا آنجایی که من یادم هست آقای صمصامی هم با هدفمندی مخالفت نمی‌کرد و همواره در جلسات حاضر بود.

اما حدود چند سال پیش نامه‌ای از آقای صمصامی خطاب به رئیس‌جمهور، منتشر شد که نشان می‌دهد وی جزو مخالفان اجرای هدفمندی بوده.

زمانی که صمصامی سرپرست وزارتخانه بود، مخالفتی از سوی وی درباره هدفمندی ندیدم. نامه‌ای هم که شما از آن سخن می‌گویید بعدها منتشر شد و به قبل از اجرای هدفمندی مربوط نمی‌شود.

پذیرش مسئولیت بزرگ وزارت اقتصاد

نهایتاً من به این جمع بندی رسیدم که این یک مسئولیت بزرگ است که می‌تواند منشأ خدمات زیادی باشد. این را هم بگویم که من برای پذیرفتن معاونت وزارت رفاه استخاره گرفته بودم که آیاتی از سوره یوسف آمده بود (استخاره خوب آمده بود) اما برای وزارت اقتصاد استخاره نکردم و بدون گرفتن استخاره این پیشنهاد را پذیرفتم. بعد از چند روز، رفتیم خدمت آقای احمدی‌نژاد و به ایشان گفتم، در خدمت شما هستم. بعد از گفتن این جمله بود که احساس کردم او دیگر خیالش از بابت من راحت شده و دیگر سؤال و جوابی بین ما رد و بدل نشد.